

هرچه داریم از عنایت اهل بیت داریم

گفت و گو با دکتر امیرحسین خوش گفتار، محقق جوان و استاد دانشگاه

● سیدمهدی حسینی

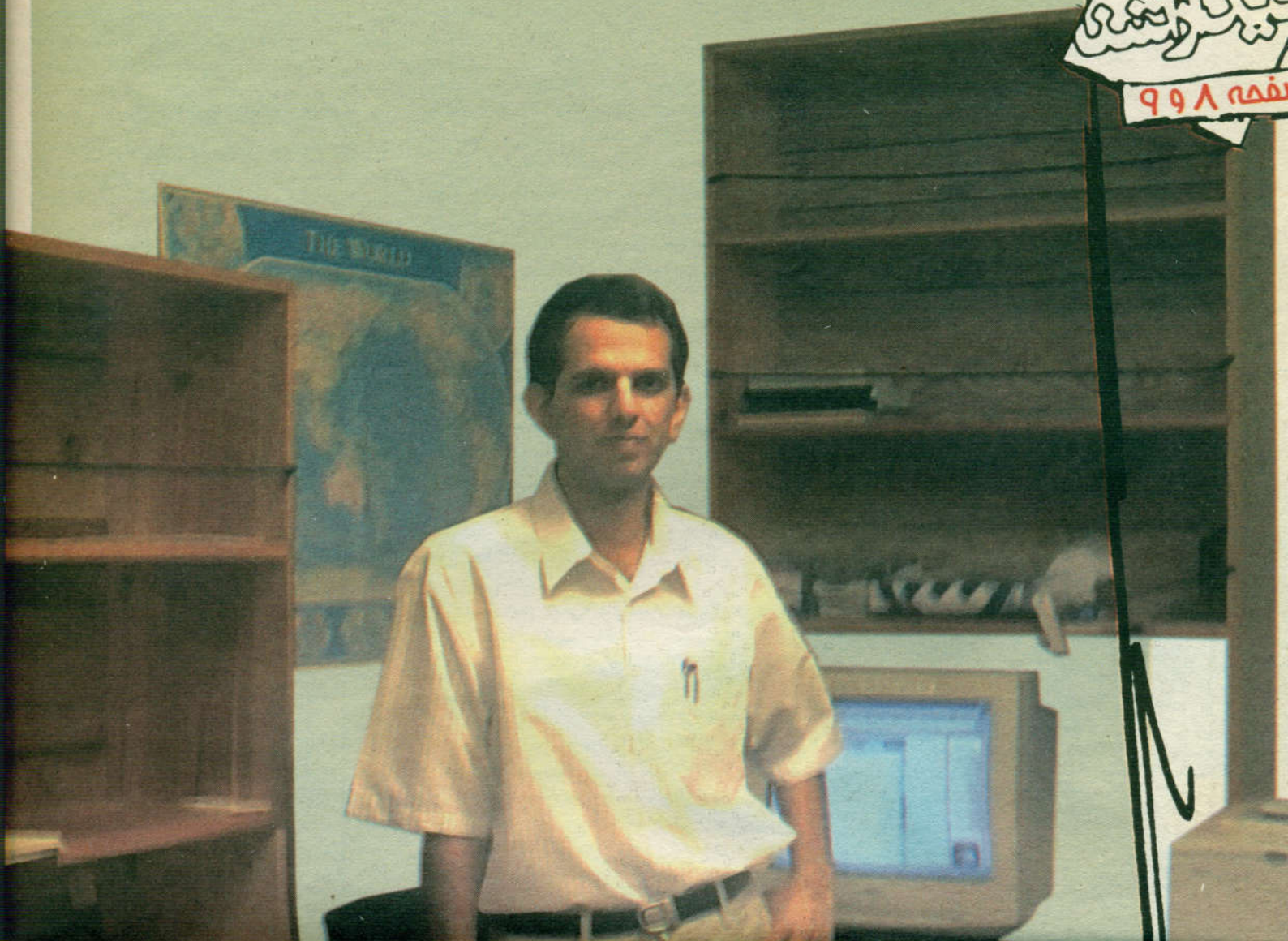
طی کند. جالب این که این دانشمند جوان را هنوز هم بچه‌های محل و دوستان قدیمی‌اش با صفت‌ها و ویژگی‌های دیگر خارج از مباحث علمی می‌شناسند: حسین خوش گفتار همان که نماز جماعتش ترک نمی‌شود، حسین که فوتبال خوب بازی می‌کند، حسین که ...

دکتر خوش گفتار با آن که عازم سفر استرالیا بود در دو سه وعده به ما وقت داد و سر فرصت به سوالات ما جواب گفت. اگر در این گفت‌وگو کمی زبان مصاحبه، صمیمی و همراه با طنز است بگذارید به حساب صفای دل این دانشمند جوان. از همین ابتدای مصاحبه از خودم می‌پرسم چند نفر از جوانان بعد از این که مصاحبه را می‌خوانند به این یاور می‌رسند که می‌توانند مثل این استاد جوان باشند؟ و این که مسئولان مملکت ما چه قدر به فکر استادان جوان و آینده ساز ما هستند و حاضرند برای تربیت آن‌ها نقش ایفا کنند؟

به سراغ جوانان موفق بروید، با آن‌ها مصاحبه کنید، سوالات کاربردی از آن‌ها بپرسید و از همه مهم‌تر، "الگوسازی کنید" همین چهار نکته‌ای که مخاطبان نشریه به ما گفتند برای ما راه‌گشا بود و فتح بابی شد برای این که برای مصاحبه سراغ جوان‌ترها برویم.

دکتر امیرحسین خوش گفتار، تازه سی‌ساله شده و حدود پنج سال است که در میان محافل علمی، استادان و دانشجویان دانشگاه مطرح شده است. شاید این نکته اغراق نباشد که این دانشمند جوان را خارجی‌ها و به عبارتی دنیای غرب بهتر از ما می‌شناسند. تحقیقات علمی دامنه‌داری که در زمینه رشته اصلی‌اش (خاک‌شناسی) انجام داده و مقالاتی که در کنفرانس‌های علمی خارج از کشور داشته، باعث شده در همین دوره جوانی، مراتب علمی را یکی پس از دیگری

تیرماه
شماره ۹۹۸



حتما در کودکی از شما پرسیده‌اند که می‌خواهی چه کاره شوی، چه جوابی به این سوال می‌دادی؟
می‌گفتم می‌خواهم معلم شوم.
چرا؟

به این کار خیلی علاقه داشتم؛ الان هم برای این کارم انگیزه و علاقه خاصی دارم.

بیش‌تر استاد دانشگاه و معلم هستی یا محقق؟! کدام را بیش‌تر دوست داری؟
تحقیق را خیلی دوست دارم هرچند وظیفه ما در ابتدا درس دادن است؛ اما بدون تحقیق کار ما کامل نیست. این یک حقیقت است. تحقیق برای ما از دو جهت لازم است هم از این جهت که یک مدرس دانشگاه باید دارای پتانسیل تحقیق باشد و هم این‌که اگر تحقیق نکنیم بیش‌تر پیش‌رفتی نخواهیم داشت. در تحقیق، هنجارشکنی کرده‌ای و حرف‌های تازه داری یا حرف‌های استادان را تکرار کرده‌ای؟

نه! به خلاقیت توجه خاصی داشته‌ام. دانشجویانم هم بارها اشاره کرده‌اند که نحوه درس دادن و برخوردت با دیگران متفاوت است؛ اما جایی که بحث علمی باشد نظرم را گفتم هرچند خلاف نظر استادان دیگر باشد.

ظاهراً که خیلی کم رو هستی؟
درست است؛ اما در مسائل علمی، وضعیت فرق می‌کند.

شده جلوی دانشجویان علمی کم بیاوری یا تو را دست کم بگیرند؟
خیلی کم اتفاق افتاده.

باتوجه به ذهنیتی که به صورت عموم از یک استاد دانشگاه وجود دارد، شده تو را با یک دانشجو اشتباه بگیرند؟
گاهی اتفاق افتاده مرا بادیگر دانشجویان اشتباه گرفته‌اند؛ حق هم دارند اکثر استادان مسن هستند و مرا هم نمی‌شناختند؛ ولی در همان جلسه ابتدای کلاس برایشان حل می‌شد. عده‌ای از جوان‌ها ته دلشون این آرزو رو دارن که پاشون برسه به آن طرف آب، نظر تو در این باره چیه؟

سفر خارجی، یعنی رفتن و دنیای خارج را دیدن بسیار مفید است؛ اما هدف مهم است باید دید شخصی که دنبال سفر خارج است دنبال چی رفته چه قدر به دنبال شناخت است؛ اما با یک روز و دو روز این شناخت پیدا نمی‌شود مخصوصاً اگر دیدگاه او معرفتی نباشد. در کل، برای یک تجربه و دیدن تنوع‌ها و رشد علمی، بسیار خوب است؛ سخن قرآن هم موید این مطلب است: «قل سیروا فی الارض...» بنابراین ممکن است در سفر خارج هم شناخت باشد و هر لحظه‌اش خدانشناسی و درس معرفت حق باشد مردم شناسی باشد و خلاصه برای خیلی‌ها درس به همراه داشته باشد.

بسته دیدن محیط، ضعف‌های فکری و اغراق‌هایی که در توصیف دنیای غرب می‌شود باعث شده بعضی جوان‌ها به صورت غیرمعمول و شاید غیرمعقول دنبال رفتن به سفر خارج باشند یا کمی حریص شوند. انسان حریص علی‌ما منع فخر فروشی عده‌ای خارج رفته و جاذبه‌های کاذب نفسانی و آزادی‌های بی‌قید و بند آن‌جا هم برای بعضی از مردم بی‌تأثیر نیست به‌ویژه برخی جوانان که از نظر فکری و فرهنگی کم‌جنبه و سطحی‌نگرند. این موارد باعث شده جوانان فکر کنند آن طرف آب، واقعاً خبری هست.

این را هم توجه داشته باشید که وقتی جوان احساس قید و بند کاذب داشته باشد و از طرفی درباره آزادی که در غرب وجود دارد بمباران فکری شود، مطمئناً انگیزه خارج رفتن در این جوان ایجاد می‌شود؛ اما واقع‌آمر این است که بسیاری از جوانان به این انگیزه که این آزادی را فقط یک بار ببینند به آن‌جا می‌روند.

باور من این است که بسیاری از این جوانان وقتی به دنیای غرب راه می‌یابند و آن ولنگاری را می‌بینند یا نوعی احساس نفرت برمی‌گردند و فقط در حد بسیار ناچیز این جمع ممکن است ته دل‌شان احساس رضایت و آرامش داشته باشند مسلماً آن هم موقتی و محدود است.

سفرهای تحقیقی‌ات به چه کشورهایی بوده؟
سفرهای تحقیقی‌ام به کشورهای کره جنوبی، تایلند، کانادا، سوئد، دانمارک، روسیه و آمریکا بوده؛ اما استرالیا و چین هم جزو برنامه‌های آینداهم می‌باشد. بیشتر در آمریکا بوده‌ای؟
بله حدود نه ماه.

این کشورها از نظر تحقیقات چه قدر از ما جلوترند؟

در هر کشوری شرایط خاصی وجود دارد. من فکر می‌کنم کشور ما در قیاس با کشورهای دیگر جایگاه خوبی دارد و مرتب این جایگاه علمی تقویت می‌شود براساس شاخص‌هایی که وجود دارد مثل اختراعات و مقالات علمی که روز به روز عرضه می‌شود به این امر خیلی کمک کرده است.

مشکلی که همیشه در سیستم تحقیقات علمی وجود داشته کمبود خلاقیت در این امر است که خوشبختانه نسل جوان در رفع این مشکل بسیار خوب عمل کرده‌اند و به دنیای تولید علم هم وارد شده‌اند. نکته‌ای که به عنوان سوال همیشه برای ما مطرح بوده این است که چرا بعضی از مردم ما از این موقعیت‌ها بی‌خبرند و همین بی‌خبری‌ها باعث شده کمی از خودباوری و اعتماد به دانسته‌های خود، دور باشند. در این باره چه نظری داری؟

یکی از مجریان تلویزیون آمریکا خانمی به نام اپرا کشوری را معرفی کرد که چه قدر فرهنگ پایینی دارد که زن‌ها را به علت این‌که دختر دوست نداشتند وادار به خودکشی می‌کنند. این خانم مجری بعد از این موارد به مخاطبان خود گفت باید واقعاً قدر کشور خودمان (آمریکا) را بدانیم که در یک محیط آزاد زندگی می‌کنیم. نباید ناراحت باشیم چرا پارکینگ گران است؛ چرا سوخت‌مان گران شده و چه و چه. حداقل آن شرایط سخت را نداریم. من هم در پاسخ به سوال شما با این خاطره می‌خواهم بگویم ما هم در این کشور آن قدر موقعیت‌های مناسب داریم که باید قدر بدانیم همین‌که به راحتی کنار هم زندگی می‌کنیم، امنیت داریم و فرهنگ بالایی که در کشور ما وجود دارد باید قدر این نعمت‌ها را بدانیم.

در مسائل علمی هم اگر خودباوری پیدا کنیم و قدر دانسته‌های خود را بدانیم مطمئناً جهش‌های بزرگی خواهیم کرد و اگر به مرز خودباوری نرسیم به نوعی به کفران نعمت دچار خواهیم شد و البته "کفر، نعمت از کف بیرون کند".

چرا در آمریکا نماندی؟ دلیل علمی داشت یا اجتماعی؟

اتفاقاً به دلیل علمی باید می‌ماندم به‌خصوص با شرایطی که من ویزا گرفتم واقعاً منحصر به فرد بود. هر که شنید تعجب کرد که یک جوان با همسر چادری‌اش چگونه به این شکل ویزا گرفته؛ چرا که اصلاً به جوان ویزا نمی‌دادند! آن‌جا که رفتم به استخدام دانشگاه درآمدم به عنوان یک محقق. این موقعیتی که من یافتم بسیاری از استادانی که سال‌ها در آمریکا بوده‌اند نتوانسته بودند پیدا کنند. حالا به این بحث کاری ندارم فقط می‌خواهم بگویم شرایطی وجود داشت. حالا هم اگر قصد سفر به آمریکا داشته باشیم زمینه فراهم است.

اگر زمینه‌ای فراهم شود یا آمریکا به هر ترتیبی بخواهد تو را جذب فضای علمی خود کند چه تصمیمی می‌گیری؟

الان شرایطم بسیار خوب است. من با بهترین گروه دارم کار علمی می‌کنم، در دانشگاه صنعتی اصفهان که گروه خاک‌شناسی آن در کشور، قطب به حساب می‌آید. همه اعضا هم استادان بسیار برجسته و باتجربه هستند که من با آن‌ها فعالیت علمی دارم. البته اگر شرایطی هم فراهم شود که بتوانم با عزت و افتخار در کشوری به تجربیات علمی خود بیفزایم به‌خصوص برای پساکترا و ارتقای سطح علمی، آن را پی‌گیری خواهم کرد. بحث ارزشی مورد نظرم بود.

عرض کردم بحث عزت مطرح است. عده‌ای که واقعاً از نظر علمی قوی بوده‌اند و آن‌جا هم نتوانسته‌اند جایگاهی پیدا کنند، هر جا موقعیتی پیدا کرده‌اند یا افتخار گفته‌اند ما ایرانی هستیم؛ در مقابل، کسانی هم بوده‌اند که فکر می‌کرده‌اند به مراتب علمی رسیده‌اند و کشور قدر آن‌ها را نمی‌داند به هر ترتیبی شده به خارج رفته‌اند؛ اما جالب این‌که اکثر نتوانسته‌اند جایگاه مناسبی پیدا کنند.

اگر دچار بحران هویت فکری شوی چی؟
بالاخره گم‌شده‌های معنوی که داری مثلاً در ایام خاص مثل محرم و صفر یا فاطمیه اگر در آمریکا باشی حتماً دنبال یک محفل برای عزاداری می‌گردی خب وقتی پیدا نکردی از دو حال خارج نیست یا کم‌کم این نیاز معنوی باتوجه به شرایط شما در شما کم می‌شود و یا تحمل نمی‌کنی و بار سفر می‌بندی و می‌ایی ایران...؟

در بحث اول بحران هویت باید بگویم که از ما گذشته است؛ اما برای جوانی که به‌ظاهر سطحی‌نگرند شاید حرف شما درست است؛ اما در مورد بحث دوم خوب است بدانید خوشبختانه ما در آمریکا محل اسکانمان نزدیک مسجد بود. نماز جماعت که من در ایران سر وقت شرکت می‌کردم در آن‌جا هم ترک نشد در مراسم و اعیاد مقید بودم جالب این‌که یک پزشک ایرانی شیعه می‌شناختم که همسرش هندی بود و هر دو شیعه بودند و به قدری مقدس و مذهبی بودند که مانند آن‌ها را کمتر در ایران دیده بودم؛ تمام طول محرم لباس مشکی می‌پوشید که بخشی از زیارت عاشورا را روی آن نوشته بود و در دیوار خانه‌اش پر از کتیبه‌های قرآن و احادیث بود و همیشه از ضبط ماشینی قرآن پخش می‌شد.

رشته تحصیلی و تدریست را معرفی کن
رشته من خاک‌شناسی است؛ یکی از گرایش‌های کشاورزی. این رشته دامنه وسیعی دارد. تحقیقاتی که امروز در این رشته داریم در زمینه محیط زیست،

بسته دیدن محیط، ضعف‌های فکری و اغراق‌هایی که در توصیف دنیای غرب می‌شود باعث شده بعضی جوان‌ها به صورت غیرمعمول و شاید غیرمعقول دنبال رفتن به سفر خارج باشند یا کمی حریص شوند

باور من این است که بسیاری از این جوانان وقتی به دنیای غرب راه می‌یابند و آن ولنگاری را می‌بینند با نوعی احساس نفرت برمی‌گردند

مجله علمی
شماره ۱۱۹۱۰

طرح‌هایی درباره آبیخیزداری، فرسایش، جنگل‌داری، تغذیه گیاه و جنبه‌های دیگر است. بحث جدیدی که مطرح کرده‌ایم ارتباط تغذیه گیاه با تغذیه انسان است این که چه راه‌کارهایی را در پیش بگیریم که از طریق بهبود گندم تولیدی یا محصولات گیاهی، سلامت انسان را بهبود بخشیم. کاملاً زمینه‌های متنوعی در رشته‌ها وجود دارد و دایره این رشته امروزه بسیار وسیع شده تا حدی که عنوان آن هم عوض شده است و به علوم محیط نام‌گذاری شده است.

یه شوخی بکنم؟! الان مهندسی یا دکتر؟
یعنی ما به تو یگویم دکترمهندس؟! این اصطلاح را توضیح بده!

من هیچ کنامش نیستم ولی در حالت عرفی "دکتر" گفته می‌شود! شما می‌دانید که دکترهای عمومی فوق لیسانس هستند وقتی تخصص می‌گیرند می‌شوند دکترای تخصصی یا PHD. چه تالیفاتی داشته‌ای؟

بیش‌تر مقاله داشته‌ام که همه در مجلات خارجی چاپ شده است دوازده مقاله‌ام در نشریات علمی چاپ شده، حدود ده مقاله‌ام به قالب سخنرانی در کنفرانس‌های علمی خارج از کشور مطرح شده، حدود بیست کنفرانس داخلی هم سخنرانی داشته‌ام. کتابی هم چند سال پیش تالیف کرده‌ام به نام "تغذیه سبزیجات و محصولات در شرایط شور" کتابی هم در دست چاپ دارم به نام "تغذیه گیاهی" در این موفقیت‌های علمی جایزه هم گرفته‌ای؟! بله. اخیراً مقاله من در استرالیا برگزیده شده و قرار است به آنجا سفر کنم و مقاله‌ام را در کنفرانس علمی که برگزار می‌شود ارائه نمایم.

چی بهت جایزه دادن یا قراره بهت بدن؟! تمام هزینه سفر چند روزه را دادن و مبلغ خاصی. سوئد هم که رفتم همین‌طور بود.

ظاهراً از دست وزیر هم جایزه گرفته‌ای؟
آره به عنوان دانشجوی دکترای نمونه یک سکه گرفته‌ام.

فقط یک سکه؟!

البته رئیس دانشگاه هم یک سکه داد.

این هم از برکات توجه مسئولان مملکت ما به استعدادهای درخشان است. بگذریم. برگردیم به دوران نوجوانی‌ات. اصلاً آینده‌درستی‌ات را در آن دوران این‌جوری حدس می‌زدی؟!

نه به این حالت که الان هست؛ اما صادقانه بگویم در آن دوران بسیار خوب درس می‌خواندم. برای آینده‌ات چه برنامه‌ای داری؟

یکی دو کتاب در دست دارم ان شاءالله تمام بشود. یکی دو طرح که بسیار بزرگ است و اشاره به آن کردم در سطح ملی و حتی بین‌المللی انجام دهم. ان‌شاءالله دوره پس‌ادکتر را هم با موفقیت پشت سر می‌گذارم.

یک سوال تکراری اما سعی کن جوابت جالب باشه: علم بهتر یا ثروت؟

دنبال ثروت نبوده‌ام تا حالاش که این‌جور بوده اما پول برای تحقیقات به کمک من می‌آید. دولت کمک نمی‌کنه؟

دولت بودجه محدودی دارد. اگر بخواهیم طرح را خوب انجام دهیم باید از خودمان هم مایه بگذاریم. شده برای جمع کردن پول، پروژه تحقیقی قبول کنی ولی انگیزه قوی برای انجام آن نداشته باشی؟!

تا حالا که نه؛ به خاطر همین پول دار نشده‌ام. ماهواره و اینترنت در دنیای امروزه چه جایگاهی داره از کدام بیش‌تر استفاده می‌کنی؟

به نظر من ماهواره‌ای که الان بحث روز شده یک برنامه هدف‌دار است و با قصد خاصی برای جوانان طراحی شده است. این ماهواره هیچ‌وقت نمی‌تواند ما را از نظر علمی با دنیای خارج مرتبط کند برنامه‌هایی که در آن مطرح شده، برای آن است که هویت ملی و مذهبی ما را از ما بگیرد. ما باید قبول

کنیم که رسانه‌های بزرگ دنیا دست‌افزایی است که برای پیشبرد کارشان مجبورند فرهنگ‌های مردمی را که حالت ارزشی دارد و سدی در برابر رشد آن‌هاست از بین ببرند و تخریب کنند. این ماهواره آمده تا فرهنگی را جای فرهنگ ارزشی ما قرار دهد و اکثر کسانی هم که به ماهواره روی می‌آورند از نظر فرهنگ دچار چالش‌ها و مشکلاتی شده‌اند؛ اما اینترنت می‌تواند ابزاری باشد برای ایجاد ارتباط‌های راحت‌تر علمی ما با دنیای خارج؛ البته فرد باید بتواند از اینترنت استفاده صحیح کند. امروز یکی از دلایلی که توانسته‌ایم ارتباط‌های وسیع‌تر و دقیق‌تری از نظر علمی با دنیای خارج داشته باشیم استفاده از اینترنت بوده است.

مثلاً مقالات خودت از طریق اینترنت به دنیای خارج راه یافته؟

بله! اینترنت برای من یک ابزار بسیار موثر بوده. کم‌کم از دنیای جوانی حداقل از لحاظ سنی داری دور می‌شوی می‌خواهم بدانم در کنار تحقیقات، به تفریح هم می‌پردازی؟! متأسفانه نه! یعنی سعی می‌کنم ولی به خاطر فشار کار و مشغله‌های خاص، گاهی نمی‌توانم به صورت منظم به تفریح بپردازم.

بیش‌تر چه تفریحی؟!

بیش‌تر فوتبال، آن هم با برویچه‌ها و دوستان دوران نوجوانی‌ام.



وقتی به سفرهای خارج می‌روی چی؟
اون‌جا هم اگر فرصتی پیش می‌آمد تفریح می‌کردم حالا فوتبال نه؛ ولی ورزشی‌های سالم دیگر، چرا. اتفاقاً در آن‌جا امکانات بیش‌تری هم فراهم بوده.

چه کسانی در موفقیت تو غیر از من (!) موثر بودند؟!

[مکث و خنده...] شاید خیلی‌ها بیش‌تر از من در زمینه‌های علمی تلاش می‌کنند؛ اما چیزهایی وجود دارد که اگر تلاش ما با آن‌ها همراه باشد زودتر نتیجه می‌گیریم مثل رضایت پدر و مادر و دعای خیر آن‌ها.

و از آن مهم‌تر عنایات اهل بیت که نقش مهمی در موفقیت من داشته‌اند، حتی همین نماز اول وقت، من به این باور رسیده‌ام که تأثیر و نقش بسیاری در رشد و موفقیت من داشته است. البته لطف استادان خودم را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. عنایت اهل بیت یعنی چه؟ مقصودت شرکت در مجالس مذهبی بوده یا توسل؟!

همه این‌ها. البته من فرصت چندانی نداشته‌ام که مثلاً با نظم خاصی برنامه زیارت یا توسل داشته باشم؛ اما سعی کردم ارتباط قلبی و دلی خودم را همیشه حفظ کنم. من روز اولی که وارد کلاس می‌شوم سعی می‌کنم درس و کلاس را نه به زبان که به دل، متناسب با سیره اهل بیت آغاز کنم؛ حتی در طرح مباحث علمی که به‌ظاهر ارتباطی ندارد.

جزئی‌تریگو
این یه کار دلپه،
مثلاً اگر روز شهادت،
من در کلاس به بچه‌ها
بگم امروز روز شهادت

است خیلی تأثیرگذار نیست ولی اگر نوع برخورد و نوع حالات من بیانگر این موضوع باشد تأثیرش خیلی بیش‌تر است یا اگر دانشجوییم مشکلی داشته باشد حتماً خارج از برنامه درسی سعی می‌کنم مشکل او را رفع کنم. با این هدف که برآیند کلاس بدین صورت باشد که افرادی که از این کلاس بیرون می‌آیند، افراد دانشمندی باشند که تقوا داشته باشند.

باز خوردش را هم دیده‌ای؟

بله! دانشجویی داشتم که طرد شده بود. خیلی مدارا کردم تماشکش برطرف شد. یکی از همکارانم در ابتدای ترم به من گفت اگر بتوانی این دانشجوی مسالهدار را عوض کنی هنر کرده‌ای! نتیجه این شد که با روحیات مذهبی که پیدا کرده بود خیلی از مسائل ذهنی‌اش حل شد جالب این‌که روی ورقه امتحان دیدم نوشته بود: «یا ستار العیوب» ورقه او را به همکارم نشان دادم، او گفت افراد زیادی تلاش کردند نتوانستند نتیجه بگیرند چه طور توانسته‌ای؟ گفتم من هیچ حرفی به او نزده‌ام فقط با رفتار مناسب...

چرا بعضی از افراد وقتی در دانشگاه از نظر علمی مراتبی پیدا می‌کنند، باورهای مذهبی‌شان کم‌رنگ می‌شود؟

واقعیت این است که اگر کسی هویت کامل و عمیقی داشته باشد، وقتی با دنیای علم آشنا شود هر لحظه معتقدتر و باورمندتر می‌شود. از دانشمندان و عالمان بپرسید حتی خارج از کشور، آن‌ها باورهای دینی را عامل بزرگی در رشد خودشان می‌دانند. من فکر می‌کنم انسان‌هایی که از نظر علمی قوی‌اند، افتاده‌تر و متواضع‌ترند؛ اما نباید توقع داشته باشیم که این افراد با وجود آن همه دانش، بعضی اعتقادات عوام را هم داشته باشند. دوستان قدیم تو و بچه محل‌ها تا چه قدر از موقعیت‌های تو آگاهند؟

خیلی‌ها نمی‌دانند حتی بعضی از قاضی و این خیلی برای من بهتر است؛ چرا که ممکن است در دسر ساز هم بشود.

چرا؟

کافی است یک بار حواسم نباشد و به یکی از این‌ها سلام نکنم ممکن است ذهنیت ایجاد شود که دچار غرور شده و خود را می‌گیرد! یا بعضی‌ها فکر می‌کنند من پزشک هستم. یک بار داشتم از منزل پدری به مسجد می‌رفتم، یکی از دوستان مرا دید و گفت فلانی شنیدم دکتر شده‌ای؛ خیلی وقت است سرم درد می‌کند چه قرصی بخورم؟ این بیت حافظ چه ارتباطی با رشته کاری‌ات دارد؟

اتان که خاک را به نظر کیمیا کنند
ایا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟
قسمت اول آن بله، واقعاً علم امروز از خاک، کیمیا می‌سازد من فکر می‌کنم علم خاک شناسی محور تمام علم‌ها می‌شود.

خاک‌شناسان امروز در همه عرصه‌ها پا گذاشته‌اند. امسال که درس خاک‌شناسی تدریس می‌کردم، روز اول به دانشجویان گفتم که میان مکانیزم‌هایی که در خاک هست و آن‌چه در گیاه هست و آن‌چه در انسان هست، ارتباطی وجود دارد ریشه خیلی از عوامل به خاک بر می‌گردد و این امر کاملاً طبیعی است. اگر سرشت انسان از خاک است همه این عوامل به هم ارتباط دارد، جسمی که به خاک سپرده می‌شود بستری می‌شود برای رشد خاک و گیاه. روی جنبه‌های معنوی کار کرده‌ای مثلاً

جایگاه خاک در ادبیات، قرآن و حدیث؟

من در هر کلاس از دانشجویان خواسته‌ام روی این موضوعات کار کنند مثلاً خاک از دیدگاه قرآن و حتی از دیدگاه مسیحیت، ببینید از چه زاویه و نگاهی به خاک نگاه کرده‌اند و چه گفته‌اند.

خودت هم روی این موضوع کار کرده‌ای؟
بله. براساس آیه‌ای از قرآن در ارتباط با تغذیه گیاه، مشغول تالیف کتاب «تغذیه گیاه» هستم.

بعضی از استادان محترم، شالوده کتاب‌شان تحقیقات و زحمات دانشجویان‌شان است شما هم از این زرنگی‌ها می‌کنی؟!

کار دانشجویی شاگردانم برای من محترم بوده و هرگاه از زحمات آن‌ها بهره‌بردم، سعی کرده‌ام در کتاب یا مقاله حتی نام آنها را ذکر کنم هرچند برخی همکاران از این شیوه من انتقاد کرده‌اند.

کاری ارزشی است.

بله کاری صددرصد اخلاقی است.

اهل مجله خواندن هستی؟

اگر فرصت کنم یا دم دستم باشد بیش‌تر مجلات علمی فرهنگی

در هر رشته‌ای جوک و لطیفه‌ای خاصی وجود دارد در رشته شما چی؟

بله شنیده‌ام؛ اما یادم نمی‌ماند!

مصاحبه سخت است یا نوشتن کتاب؟

مانده‌ام این همه سوال و جواب را چه‌طور می‌خواهید جمع کنید و چاپ کنید!

چه قدر گوش به حرف جوان‌ها بدهیم و به سلیقه‌شان توجه کنیم؟

جوان‌های امروز خیلی مستعد و باهوشند؛ اما بسیار زودرنج و عجول. باید با آن‌ها مدارا کرد و حرف‌هایشان را شنید باید با آن‌ها خیلی صبور بود تا جوان جذب شود.

جذب جوان‌ها به هر قیمت درست است؟!

نمی‌دانم این سوال یعنی چی؟

جذبش کنیم اما در همین اندیشه‌اش بماند یا جذبش کنیم که اندیشه‌اش متحول و متعالی شود؟

خودتان هم می‌دانید که با یک روز و دو روز نمی‌شود صبوری، مهم است، تنگ‌نظری هم نباید کرد. بعضی از چیزها را جوان می‌خواهد تجربه کند؛ من فکر می‌کنم باید شرایطی فراهم کرد که اگر یکی تجربه کرد و شکست خورد احساس کند حالا می‌تواند برگردد نه این‌که فکر کند دیگر راه برگشتی ندارد و به سراغ تجربه‌های تلخ‌تر و بدتر برود.

شده به دانشجوییت برای دلسوزی نمره بدهی؟
من تا حالا از دانشجویانم از نظر علمی به‌شدت کار کشیده‌ام. واقعاً در درس سه واحدی به اندازه یک درس پنج واحدی از آن‌ها کار کشیده‌ام خب البته نمره‌های خوبی هم گرفته‌اند؛ چون زحمت کشیده‌اند ولی سعی می‌کنم در همه جا عدالت را رعایت نمایم. بحث‌های سیاسی هم در کلاس داری؟

نه چون وقتش را ندارم البته موارد خاصی پیش آمده مثل تحصن که به صورت غیرمستقیم موضع گرفته‌ام و دانشجویان هم متوجه نظر من شده.

اگر دانشجوی در مورد ویژگی‌های یک رئیس جمهور بپرسد چه راهنمایی می‌کنی؟

به مصادیق نمی‌پردازم به صورت کلی راهنمایی می‌کنم آن هم به مواردی می‌پردازم که به کارم مرتبط باشد خیلی از موارد را در جاهای دیگر می‌شود.

اگر حرف خاصی در آخر مصاحبه داری بگو. امیدوارم مجله خوب و جوان‌پسندی داشته باشید.

در مسائل علمی اگر خودباوری پیدا کنیم و قدر دانسته‌های خود بدانیم مطمئناً جهش‌های بزرگی خواهیم کرد و اگر به مرز خودباوری نرسیم به نوعی به کفران نعمت دچار خواهیم شد و البته کفر، نعمت از گفت بیرون

به نظر من ماهواره‌ای که الآن بحث روز شده یک برنامه هدف است و با قصد خاصی برای جوانان طراحی شده است. این ماهواره هیچ‌وقت نمی‌تواند ما را از نظر علمی با دنیای خارج مرتبط کند برنامه‌هایی که در آن مطرح شده، برای آن است که هویت ملی و مذهبی ما را از ما بگیرد

عنایات اهل بیت نقش مهمی در موفقیت من داشته‌اند، حتی همین نماز اول وقت، من به این باور رسیده‌ام که تأثیر و نقش بسیاری در رشد و موفقیت من داشته است

